

درآمدی بر جایگاه سازمان‌های غیردولتی در حقوق بین‌الملل (ایستایی یا پویایی)

محمود گلستانی^۱ - لیلا رئیسی^۲ - مسعود راعی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۰

چکیده:

سازمان‌های غیر دولتی نماد و نمود جامعه مدنی در حوزه بین‌الملل قلمداد می‌گردند و به طور فزاینده‌ای در توسعه استانداردهای حقوقی بین‌المللی نقش ایفا می‌نمایند. با توجه به تعداد و مشارکت رو به رشد سازمان‌های غیردولتی در زندگی بین‌المللی و با عنایت به نقش تکاملی آنها در مراحل مذاکرات در خصوص تعهدات بین‌المللی، عجیب است که هنوز مشخص نیست چگونه باید بنیان سازمان‌های غیر دولتی را از لحاظ حقوقی در عرصه بین‌الملل تعیین نمود. مشارکت سازمان‌های غیردولتی به عنوان نماینده جامعه مدنی در عرصه بین‌الملل باعث می‌شود، روح دموکراسی بر این عرصه حاکم باشد. با عنایت به اینکه برخی از دولتها رابطه دوستانه دولت و سازمان‌های غیر دولتی را انتخاب و حمایت می‌کنند، ضرورت استانداردهای بین‌المللی حائز اهمیت می‌شود.

در مجموع، به نفع سازمان‌های غیردولتی است که تصویر «اصیل» شان را حفظ کنند، زیرا در غیر این صورت، نمایندگی سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و سپس مبنای وجودی آنها زیر سوال می‌رود. جایگاه سازمان‌های غیردولتی در حقوق بین‌الملل به دلیل فقدان یک مرجع مورد پذیرش، و به تبع آن نبود استاندارد بین‌المللی در جهت احراز هویت این سازمانها، دچار نوعی ایستایی شده و پیشرفتی با آهنگ کند را تجربه می‌نماید.

واژگان کلیدی: سازمان غیردولتی، جایگاه سازمان‌های غیردولتی، حقوق بین‌الملل، جامعه

مدنی

^۱ - دانشجوی دکتری، رشته حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
Golestani.m22@gmail.com

^۲ - دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران:
نویسنده مسئول
raisii.leila@gmail.com

^۳ - دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
masoudraei@yahoo.com

مقدمه:

تابعان حقوق در هر نظام حقوقی ضرورتاً دارای محتوای حقوقی یکسان نمی‌باشند. ماهیت تابعان حقوق بستگی به نیاز جامعه دارد. در طول تاریخ، توسعه حقوق بین‌الملل تحت تأثیر الزامات زندگی بین‌المللی بوده است و ارتقاء و افزایش فعالیت‌های جمعی دولتها در حال حاضر، صرفاً معطوف به دولتها نمی‌باشد بلکه به اقداماتی در سطح بین‌المللی تمرکز دارد که توسط اشخاصی خاص صورت می‌پذیرد. (Brownle, 1998. 678) این اشخاص در حقوق بین‌الملل از تابعان فعال و منفعل متشکل شده‌اند که علاوه بر دولتها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی به عنوان تابعان فعال، می‌توان به اشخاص حقیقی، شرکت‌های فرا ملی، نهضت‌های آزادی بخش و سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی به عنوان تابعان منفعل، اشاره نمود.

نکته جالب توجه اینکه در عرصه بین‌الملل هیچ رکن یا مقامی جهت اعطای مجوز بین‌المللی به سازمان‌های غیردولتی وجود ندارد، و عملاً این سازمان‌ها باید از سیستم داخلی خود (دولت محل فعالیت سازمان) کسب مجوز نمایند و در صورتی که فرایند کسب مجوز در عرصه ملی، طی و شرایط لازم در عرصه بین‌المللی مهیا بود، بتوانند در حوزه فرا ملی نیز عرض اندام بنمایند. همچنین این فرایند با مشخصه اصلی یک سازمان غیر دولتی که مستقل بودن می‌باشد در مغایرت است. زیرا با فرض پیش شرط دریافت مجوز از دولت مربوطه جهت فعالیت در عرصه بین‌الملل، عملاً بسیاری از کنشگری‌های سازمان‌های غیر دولتی و روحیه انتقادی آنها به چالش کشیده می‌شود.

در ضمن نباید از کارکرد سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی غافل شد. این سازمان‌ها در تبیین معاهدات بین‌المللی و همچنین برخورداری از جایگاه مشورتی در چارچوب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد نقش ایفا می‌نمایند. در حال حاضر بیش از پنج هزار سازمان غیر دولتی، از رسالت مشاوره‌ای در این قالب برخوردار می‌باشند.

در این نوشتار ابتدا به مفهوم شناسی، سپس به سیر ظهور سازمان‌های غیر دولتی، جایگاه سازمان‌های غیر دولتی در اسناد بین‌المللی، شخصیت حقوقی سازمان‌های غیر دولتی، جایگاه سازمان‌های غیر دولتی در ایجاد حقوق نرم و در نهایت عوامل موثر بر تثبیت جایگاه سازمان‌های غیر دولتی در عرصه بین‌الملل می‌پردازیم و در نتیجه جایگاه این سازمانها را به طور کلی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهیم.

مفهوم شناسی

جامعه مدنی

جامعه مدنی^۱ "بخش سوم" جامعه، همراه با دولت و تجارت است. جامعه مدنی شامل سازمان‌های مدنی و سازمان‌های غیر دولتی می‌باشد. سازمان ملل متحد اهمیت مشارکت با جامعه مدنی را به رسمیت می‌شناسد، زیرا به آرمان‌های سازمان پرداخته و این روند را تسهیل می‌نماید. (September 2009, UN)

نهادینه شدن قانون در جامعه از مهمترین ویژگی‌های یک جامعه مدنی است. یک تشکل اجتماعی زمانی می‌تواند مصداق جامعه مدنی باشد که حاکمیت قانون^۲ در روابط بین عناصر مختلف در جامعه به خصوص دولت و مردم حاکم باشد. در این تعریف قدرت از دریچه قانون توزیع شده و رابطه مردم و حاکمیت بر مبنای قانون می‌باشد.

سازمان غیر انتفاعی (NPO)

سازمان غیر انتفاعی^۳، اساساً سازمانی است که اگر درآمد خالص خود را در اختیار افرادی قرار دهد که بر آن نظارت دارند، این نوع عملکرد در این سازمان ممنوع است. (Mittila, 2003) می‌توان اینگونه گفت که سازمان غیر انتفاعی، سهامدار ندارد. این نوع سازمان ممکن است درآمد یا فعالیت اقتصادی داشته باشد، اما سود حاصل از این فعالیت شامل حال اعضا نمی‌گردد بلکه برای اهداف سازمان به کار گرفته می‌شود.

سازمان غیر دولتی (NGO)

در خصوص سازمان‌های غیردولتی^۴، مفهوم جامعی در اختیار نیست؛ اما در سال‌های گذشته ایجاد سازمان‌های غیردولتی به خصوص سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی و کسب جایگاه مشورتی از شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، موجب شده تا تعاریف مختلفی از زوایای متفاوت از سوی پژوهشگران، نهادهای ملی و تابعان حقوق بین‌الملل ارائه گردد. ضمناً باید خاطر نشان کرد که سازمان‌های غیر دولتی در دو قالب ملی و بین‌المللی تفکیک می‌گردد. یکی از نهادهای بین‌المللی وابسته به سازمان ملل متحد که به تعریف سازمان‌های غیر

1. Civil Society

2. Rule of Law

3. Nonprofit organization

4. Non-governmental organization

دولتی مبادرت ورزیده، اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل^۱ و یا DPI است. بر اساس این تعریف، سازمان‌های غیردولتی به هر سازمان غیردولتی و داوطلبانه‌ای اطلاق می‌شود که در سطح محلی، ملی یا بین‌المللی فعالیت دارد و افرادی با علائق مشترک آن را اداره می‌کنند. خدمات انسان دوستانه، توجه دادن مردم به اعمال دولت، نظارت بر سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دولت و تشویق به مشارکت سیاسی در امور خارجه، در شمار فعالیت‌های این سازمان قرار می‌گیرد. (گلستانی و پهلوانی، ۱۳۹۵: ۵۳)

طبیعتاً سازمانی با مشخصات فوق و در گستره بین‌المللی به سازمان غیردولتی بین‌المللی^۲ مشهور می‌شود. در خصوص نقطه افتراق سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های غیر انتفاعی ذکر این نکته حایز اهمیت است که زمانی که از سازمان‌های مردم نهاد بحث می‌کنیم، به طور مشخص بر غیردولتی بودن یک سازمان تأکید می‌گردد. در حالی است که سازمان غیرانتفاعی می‌تواند دولتی هم باشد. بسیاری از ارگان‌های دولتی هم غیرانتفاعی هستند. همچنین بسیاری از این ارگانها، سهامدار ندارند و غیرانتفاعی محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر سازمان غیر انتفاعی طبق مفاهیم فوق، جنبه عام داشته و هر سازمان غیر انتفاعی می‌تواند هم دولتی باشد و هم غیر دولتی. اما یک سازمان غیر دولتی جنبه خاص داشته و صرفاً غیر دولتی است.

سازمان دولتی (GO)

سازمان دولتی^۳، به سازمانی اطلاق می‌گردد که وابسته به یک نهاد دولتی بوده و سازو کار و بودجه آن از طریق دولت تعیین و تأمین می‌گردد.

سازمان بین‌المللی دولتی (IGO)

سازمان بین‌المللی دولتی^۴ تجمع ارادی دولتهاست که با توافقی بین‌المللی ایجاد و با ارکان دائمی، خاص و مستقل خود و همچنین قدرت تصمیم‌گیری منفک از اعضایش برای حفظ منافع مشترک آنها فعالیت می‌کند. این تعریف، با توجه به عناصر تشکیل دهنده اش، امکان می‌دهد خصوصیتی برای سازمان‌های بین‌المللی لحاظ نمود که آنها را از نهادهای مشابه یکدیگر منفک و جدا می‌نماید. (بیگ زاده، ۱۳۸۹: ۸۳)

1. Department of Public Information (DPI)

2. International Non-governmental organization (INGO)

3. Governmental organization (GO)

4. International Governmental Organization (IGO)

سیر ظهور سازمان‌های غیر دولتی

سیر ظهور سازمان‌های غیردولتی به زمان‌های دور، باز می‌گردد. با این حال نمی‌توان تاریخچه معینی برای شروع شکل‌گیری آنها بیان کرد.

در دوران معاصر، تجربه دو جنگ جهانی نشان داد که هر چند دولتها مشروعیت خود را براساس اندیشه «قرارداد اجتماعی» از مردم می‌گیرند ولی نمی‌توان کاملاً به آنها اعتماد کرد. بسیاری معتقدند نفرت و دلزدگی ناشی از فجایع جنگ‌های جهانی باعث شد تا ملت‌ها همپا با نوسازی خویش، به تدریج به ضرورت مشارکت در امور مربوط به کشور و حکومت خود پی برده و با سازمان‌دهی خویش در چارچوب‌هایی همانند سازمان‌های غیردولتی نوعی همکاری و تعامل با دولت را نهادینه سازند. (گلشن پژوه، ۱۳۸۵: ۱۳-۹)

برای بررسی سیر ظهور سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی، با تقسیم موضوع به قبل و بعد از تأسیس سازمان ملل متحد به ادامه بحث خواهیم پرداخت.

قبل از تشکیل سازمان ملل متحد (دوران تکوین)

در سالهای بین ۱۸۴۰ تا آغاز جنگ جهانی اول حدود ۴۰۰ انجمن خصوصی با اهداف بین‌المللی به وجود آمد که می‌توان به ذکر نمونه‌هایی از آنها پرداخته از جمله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (۱۸۶۳)، اتحادیه بین‌المجالس (۱۸۸۹)، انجمن حقوق بین‌الملل (۱۸۷۳)، انجمن ادبیات و هنر (۱۸۷۸) و اتاق بازرگانی بین‌المللی (۱۹۱۹). البته باید خاطر نشان کرد که صحبت از سازمان‌های بین‌المللی اعم از دولتی و غیردولتی به قرن بیستم باز می‌گردد، اما با توجه به فعالیت و اهداف این اتحادیه‌ها و انجمن‌ها می‌توان آنها را نوعی سازمان غیردولتی بین‌المللی دانست که بعضی از ویژگی‌های سازمان‌های غیردولتی را با خود حمل می‌کردند، مثل داشتن یک ارگان دائمی و تشکیل جلسات منظم. می‌توان گفت نخستین کنفرانس خصوصی، «کنفرانس جهانی ضدبردگی» به سال ۱۸۴۰ است که در حمایت از حقوق انسانها تشکیل شد. همچنین اگر معیارهای حداقلی را در نظر گرفت، می‌توان قدیمی‌ترین سازمان غیردولتی را با توجه به فعالیت آن، سازمان کلیساهای مسیحی دانست که در اوایل قرن ششم فعالیت می‌کرد. (ضیایی، ۱۳۸۸: ۲۹۱-۲۶۳)

در دوران جامعه ملل تا سال ۱۹۲۳ این دیدگاه وجود داشت که سازمان‌های غیر دولتی در قالب دفاتر تحت نظارت جامعه ملل فعالیت می‌کنند، اما بعد از این سال شورای جامعه تصمیم

گرفت که سازمان‌های غیر دولتی را از شمول این ماده خارج کند، از این به بعد دیگر سازمان‌های غیر دولتی مبنای تئوریک برای همکاری با جامعه ملل نداشتند. این مشکل تا زمان تأسیس سازمان ملل متحد علی‌رغم اینکه سیاست‌های دبیرخانه جامعه و یا روسای کمیسیون‌های مختلف متغیر بود، وجود داشت. (بیگ زاده، ۱۳۷۹: ۴۷) در دوران قبل از تأسیس سازمان ملل متحد، ساز و کار واحد و منسجمی در جهت تثبیت جایگاه سازمان‌های غیر دولتی وجود نداشت، و به همین ترتیب و طبیعتاً ترتیباتی مبتنی بر قواعد نیز برای سازمان‌های غیر دولتی داخلی و ارتقاء آنها به سازمان غیردولتی بین‌المللی وجود نداشت.

تأسیس سازمان ملل متحد (دوران رشد)

اولین سند رسمی در حوزه بین‌الملل که به سازمان‌های غیر دولتی اشاره نموده است، منشور ملل متحد می‌باشد. این منشور در ماده ۷۱ خود به جایگاه مشورتی سازمان‌های غیر دولتی در شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد می‌پردازد. این شورا قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ را با عنوان «ارتباط مشورتی بین ملل متحد و سازمان‌های غیر دولتی» مصوب نمود که ترتیبات بین سازمان‌های غیر دولتی و ملل متحد را منظم می‌کند و به مدیریت این ارتباط می‌پردازد. طبق قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ ترتیبات مشورتی، ایجاد انسجام در قواعد حاکم بر مشارکت سازمان‌های غیر دولتی در کنفرانس‌های بین‌المللی، آزمایش مدلها و وسایل اصلاح ترتیبات علمی در جهت کار کمیته سازمان‌های غیر دولتی و همچنین تقویت مناسبات با سازمان‌های غیر دولتی دبیرخانه و اشاره به نقش محوری افکار عمومی از موارد مورد توجه در این قطعنامه می‌باشد. (UN. Doc. July 1996) رشد قابل توجه سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و احساس نیاز ملل متحد در راستای تعامل با متخصصین این سازمان‌ها سبب شده است تا ارکان سازمان ملل متحد، راهکارهایی را برای ارتقاء جایگاه خود و همچنین تقویت مناسبات با سازمان‌های غیردولتی ایجاد نمایند. اما متأسفانه علی‌رغم تأکید ماده ۷۱ منشور ملل متحد و قطعنامه‌های متعدد اکوسوک، در حال حاضر نمی‌توان جایگاهی با ثبات را برای این سازمان‌ها تصور نمود.

سازمان‌های غیر دولتی برخوردار از مقام مشورتی می‌توانند طرف مشورت دبیرخانه سازمان ملل متحد در مورد مسائل مشترک قرار گیرند. دبیرخانه می‌تواند امکاناتی از قبیل دسترسی به مرکز اسناد، شرکت در مذاکرات رسمی، استفاده از کتابخانه سازمان ملل، قرار دادن اماکن ضروری برای گردهمایی محدود، امکان شرکت در جلسات علنی مجمع عمومی در مورد مسائل

اقتصادی و اجتماعی نام برد. سازمان‌های غیر دولتی، اعم از اینکه از مقام مشورتی برخوردار باشند یا نباشند، می‌توانند با مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد همکاری داشته باشند. این مساله از همان زمان تاسیس مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد احساس و به همین جهت هم قطعنامه (۱)۱۳ مجمع عمومی نیز به این نکته توجه کرده است (بیگ زاده، ۱۳۷۹: ۵۸-۵۷) با توجه به موارد فوق و در قیاس با دوره تکوین سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی (قبل از تأسیس سازمان ملل متحد) می‌توان رشد کمی و کیفی قابل ملاحظه‌ای را مشاهده نمود، اما مطالعات نشان می‌دهد که همچنان اغلب دولتها از گسترش دامنه ارتباط خود با سازمان‌های غیر دولتی نگران بوده و به عبارتی دیگر، دولتها فعالیت این سازمان‌ها را مانعی در جهت اعمال سیاست‌های خود می‌دانند.

جایگاه سازمان‌های غیر دولتی در اسناد بین‌المللی

از زاویه اسناد حقوق بین‌الملل می‌توان گفت از اوایل قرن گذشته میلادی تا قبل از منشور ملل متحد، تلاش‌هایی به منظور اعطای شخصیت حقوقی بین‌المللی صورت گرفته است. از جمله مؤسسه حقوق بین‌الملل که خود سازمانی غیردولتی بین‌المللی می‌باشد، «پیش‌نویس کنوانسیون مربوط به وضعیت حقوقی انجمن‌های بین‌المللی» را در ۱۹۲۳ ارائه نمود. همچنین برخی از کشورهای اروپایی مانند انگلستان (قانون ۱۹۱۴)، بلژیک (قانون ۱۹۱۹)، قانون اساسی دانمارک و فرانسه در حقوق داخلی خود به اعطای شخصیت حقوقی برای این سازمان‌ها به نحوی که امکان فعالیت بین‌المللی داشته باشد پرداختند. (بیگ زاده، ۱۳۷۴-۱۳۷۳: ۳۰۷) دفتر عمران سازمان ملل در گزارش «مشارکت مردمی و توسعه انسانی» در سال ۱۹۹۳ ابزار پنج‌گانه‌ای را برای توسعه معرفی می‌کند. این ابزار عبارتند از: دموکراسی، اقتصاد بازار آزاد، خصوصی سازی، اطلاع رسانی و سازمان‌های غیردولتی. (رضایی، ۱۳۸۲: ۴) با عنایت به اینکه جایگاه سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، به ذکر برخی از اسناد مهم منطقه‌ای و جهانی در این حوزه می‌پردازیم و سپس شخصیت این سازمان‌ها را در این بخش مورد بررسی و واکاوی قرار می‌دهیم.

کنوانسیون استراسبورگ

در ۲۴ آوریل سال ۱۹۸۶ کنوانسیون تحت عنوان کنوانسیون اروپایی شناسایی شخصیت حقوقی سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی در سلسله معاهدات اروپا مصوب گشت. این معاهده

که در تاریخ ۱ ژانویه ۱۹۹۱ برای طرفین معاهده، الزام آور شد. شامل ۱۱ ماده کوتاه می‌باشد. تحت این کنوانسیون، یک سازمان غیر دولتی بین‌الملل که در کشور A گنجانده شده و به ثبت رسیده است به صورت اتوماتیک و به همان صورت در کشورهای B، C و D نیز شناخته می‌شود. در مقدمه این سند ضمن اشاره به اهمیت نقش سازمان‌های غیردولتی در رسیدن به اهداف منشور سازمان ملل متحد و شورای اروپا، هدف از اجرای سند را تسهیل فعالیت سازمان‌های غیردولتی در سطح اروپا عنوان نموده است. (COUNCIL OF EUROPE, 1986)

چهار کشور اروپایی که بیشترین جمعیت سازمان‌های غیر دولتی را دارا می‌باشند و این کنوانسیون را نیز امضا نموده‌اند عبارتند از: انگلستان، بلژیک، فرانسه و سوئیس. دو کشور در اروپای مرکزی (اتریش و اسلوانی)، نقش پل ارتباطی میان غرب و شرق را ایفا می‌کنند. دو کشور دیگر دارای ارتباط ویژه‌ای با سازمان‌های غیر دولتی خارجی می‌باشند: یونان که تعداد زیادی از موسسات باستان شناسی خارجی در آن فعال می‌باشند و پرتغال که برای وابستگی متقابل و همبستگی، شورای مرکزی اروپای شرقی و جنوبی در آن واقع شده است که به سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی نقش خاصی را می‌بخشد. (Frits, 1999. 2)

در بند ۱ از ماده ۲ این کنوانسیون اشاره شده است: «شخصیت و اهلیت حقوقی یک سازمان غیردولتی به نحوی که در دولت ثبت کننده متعهد به این کنوانسیون شناخته شده است، بطور کامل از سوی سایر متعاهدین پذیرفته می‌شود». (COE, 1986)

با عنایت به ماده ۲ کنوانسیون استراسبورگ، سازمان‌های غیردولتی برای بهره‌مندی از حقوق کامل ناشی از شخصیت و اهلیت حقوقی در دیگر کشورهای متعهد نیاز به رعایت هیچگونه ترتیباتی ندارند، مفاد این کنوانسیون فقط در مورد دولت‌های عضو شورای اروپا که آن را تصویب کرده‌اند یا خواهند کرد لازم الاجرا می‌باشد. در بررسی به عمل آمده توسط نویسنده و با کمی تأمل شاید بتوان معاهده استراسبورگ را به لحاظ اهمیت دادن به جایگاه سازمان‌های غیر دولتی نه در سطح جهانی، بلکه در سطح اروپا معاهده‌ای قابل قبول دانست که به این جایگاه، نگاه ویژه و مثبتی داشته است.

قطعنامه ۱۲۹۶ XLIV اکوسوک^۱ به تاریخ ۲۳ می ۱۹۶۸:

قطعنامه ۱۲۹۶ از سه قسمت اصلی تشکیل شده که قسمت اول اصول مربوط به موضوع را

¹. Economic and Socioal Council

بیان می‌دارد، نکته قابل توجه در قسمت اول، توجه به سازمان‌های ملی است که عنوان می‌نماید، سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی از درون سازمان‌های ملی رشد پیدا کرده و قوام می‌یابند. در قسمت دوم این قطعنامه بر تفاوت بین حقوق دولت‌ها و موسسات سازمان ملل متحد از یک طرف و سازمان‌های غیر دولتی از طرفی دیگر تأکید دارد. و نهایتاً در قسمت سوم به نوع ترتیبات مشورتی اعم از جایگاه مشورتی عام، خاص و راستر می‌پردازد. (UN Doc. 23 May 1968)

قطعنامه ۱۹۹۳/۸۰ به تاریخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۳ اکوسوک:

در این قطعنامه که با عنوان «بررسی ترتیبات مشورتی با سازمان‌های غیر دولتی» در شورای اقتصادی و اجتماعی مصوب شد، موارد زیر مورد تأکید قرار گرفت.

- ۱- تصمیم برای ایجاد یک گروه کاری متشکل از نمایندگان دولت‌ها
- ۲- ایجاد هماهنگی در قواعد حاکم بر مشارکت سازمان‌های غیردولتی در کنفرانس‌های بین‌المللی که توسط سازمان ملل متحد برگزار می‌گردد.
- ۳- درخواست ارکان سازمان ملل متحد، نهادها، برنامه‌ها، و آژانس‌های تخصصی جهت مشارکت در گروه کاری سازمان‌های غیر دولتی منطبق بر رویه‌های موجود.
- ۴- دعوت از سازمان‌های غیر دولتی دارای مقام مشورتی اکوسوک در گروه کاری متشکل از نمایندگان دولت‌ها.

- ۵- درخواست از سازمان‌های غیر دولتی، به خصوص سازمان‌هایی که از کشورهای در حال توسعه به ارایه دیدگاه‌ها و نظرات خود در این کارگروه می‌پردازند.
- ۶- درخواست از دبیر کل ملل متحد جهت حمایت و ارایه منابع موجود من جمله اسناد مرتبط در اجرای این قطعنامه. (UN Doc. 30 July 1993)

قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ ۲۵ جولای ۱۹۹۶ اکوسوک:

ماده ۷۱ منشور سازمان ملل متحد قید می‌کند که شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل می‌تواند «برای مشورت با سازمان‌های غیردولتی که به امور داخل در صلاحیت شورا اشتغال دارند، هرگونه تدابیر مناسبی را اتخاذ نماید» پذیرش مقام مشورتی^۱ سازمان‌های غیر دولتی در شمول قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ اکوسوک قرار می‌گیرد که ماده ۷۱ منشور را به طور کامل مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهد.

^۱. consultative status

در بررسی تفصیلی قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ می‌توان موارد زیر را در راستای موضوع پژوهش، مورد بررسی قرار داد.

بند چهارم از بخش اول این قطعنامه با عنوان اصول ایجاد روابط مشورتی با سازمان‌های غیر دولتی عنوان می‌نماید که واژه «سازمان» جهت اشاره به سازمانهای غیردولتی در سطوح ملی، زیرمنطقه‌ای، منطقه‌ای یا بین‌المللی به کار می‌رود مگر اینکه به وضوح به گونه‌ای دیگر مطرح شود. (UN. Doc. 25 July 1996)

همانگونه که مشاهده می‌گردد هیچ‌گونه ضابطه‌ای جهت مجزا کردن ساختار، شرح وظایف و اهداف سازمان‌های غیر دولتی ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی وجود ندارد.

در بند ۲۰ از بخش دوم با عنوان اصول حاکم بر ماهیت ترتیبات مشورتی عنوان می‌گردد که: تصمیمات مربوط به ترتیبات مشورتی باید برگرفته از این اصل باشد که ترتیبات مشورتی از یک طرف به منظور قادر ساختن شورا یا یکی از نهادهای آن برای تضمین دسترسی به اطلاعات تخصصی یا راهنمایی از سازمان‌هایی می‌باشد که صلاحیت خاصی در آن دسته از موضوعاتی دارند که این ترتیبات مشورتی برای آنها صورت می‌گیرد، و از طرف دیگر به منظور قادر ساختن سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی، منطقه‌ای، زیرمنطقه‌ای و ملی که نماینده مهم افکار عمومی هستند، جهت ابراز نظراتشان می‌باشند. (Ibid) در این بند، سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی را نماینده افکار عمومی معرفی می‌نماید که در سطوح مختلف مشغول به فعالیت می‌باشند و فی‌نفسه ترتیبات مشورتی نمی‌تواند برای این سازمان‌ها ثبات و دوام ایجاد نماید.

در بند ۴۱ از بخش هفتم با عنوان شرکت سازمان‌های غیردولتی در کنفرانس‌های بین‌المللی و فرایندهای مقدماتی آنها که از سوی سازمان ملل متحد برگزار می‌شود، تأیید سازمان‌های غیردولتی حق انحصاری دولتهای عضو می‌باشد که از طریق کمیته تدارکاتی مربوطه اعمال می‌شود. چنین تأییدی می‌بایستی به‌وسیله یک فرآیند مقتضی دنبال شود تا صلاحیت سازمان‌های مربوطه تعیین شود. (UN. Doc. 25 July 1996, para 41)

نکته دیگر در این بند، عدم وجود استقلال سازمان‌های غیر دولتی را در عرصه بین‌الملل نشان می‌دهد، و قید می‌کند تأیید سازمان‌های غیر دولتی به وسیله دولتها صورت می‌پذیرد که در یک فرایند مشخص تعیین می‌گردد که این امر حکایت از وابستگی سازمان‌ها در امورات خود دارد که با اصل استقلال سازمان‌های غیر دولتی در تعارض می‌باشد.

در بند ۵۸ از بخش هشتم با عنوان تعلیق و رد مقام مشورتی عنوان می‌گردد که مقام

مشورتی عام، خاص و راستر سازمان‌های غیردولتی با تصمیم شورای اقتصادی و اجتماعی و با توصیه کمیته سازمان‌های غیردولتی معلق یا پس گرفته می‌شود. (Ibid, para58)

بخش دهم با عنوان مشاوره با دبیرخانه در بند ۶۴ عنوان می‌کند که دبیرخانه باید به نحوی اداره شود که قادر به اجرای وظایف محوله مربوط به ترتیبات مشورتی و دادن اعتبار نامه به سازمانهای غیردولتی برای شرکت در گردهمایی‌های بین‌المللی سازمان ملل متحد مطابق با قطعنامه حاضر باشد. همچنین در بند ۶۵ قید می‌گردد که تمام سازمان‌های دارای مقام مشورتی باید قادر باشند با مأموران بخشهای مقتضی دبیرخانه در موضوعاتی که مورد علاقه یا توجه دو طرف است مشورت نمایند. چنین مشورتی باید به درخواست سازمان غیر دولتی یا به درخواست دبیر کل ملل متحد باشد. (UN.Doc.25 July 1996, para64-65)

در بخش یازدهم با عنوان حمایت دبیرخانه و در بند هفتاد از دبیر کل درخواست می‌شود تا این قطعنامه را از طریق مجاری مناسب به طور گسترده‌ای به اطلاع عموم برساند و همکاری سازمانهای غیردولتی از تمامی مناطق و نواحی دنیا را تسهیل نماید. (Ibid, para70)

همانگونه که در بندهای مرتبط با نقش دبیر کل مشاهده می‌گردد، دبیرخانه نقش اعتباردهی و حمایتی از سازمان‌های غیر دولتی را بر عهده دارد، اما نوع حمایت و نحوه تخصیص اعتبار به این سازمان‌ها و همچنین مقام‌های مشورتی مختلف اعم از مقام عام، خاص و راستر مشخص نگردیده است.

با توجه به تعداد رو به رشد سازمان‌های غیر دولتی که وارد سیستم ملل متحد می‌شوند و از زمان بازگشایی جایگاه مشاوره‌ای برای سازمان‌های غیر دولتی ملی در سال ۱۹۹۶، یک طرح جدید به دولتها اجازه داد تا سیستم اعتباردهی را مورد استفاده نادرست قرار دهند و سازمان‌های غیر دولتی خود را به جایگاه مشورتی ارتقا دهند. در نتیجه، سازمان‌های غیر دولتی مشکوک (نامعلوم) بیشتر و بیشتری که اصطلاحاً، سازمان‌های غیردولتی-سازمان یافته دولتی^۱ نامیده می‌شوند، ایجاد گردید. به عنوان مثال دولتهای ناقص حقوق بشر، جایگاهی برای خود به دست می‌آورند و بنابراین، این توانایی را دارند که با عنوان سازمان‌های غیر دولتی در ملل متحد از دولت‌های خود طرفداری و حمایت کنند. (Kerstin. 2003) که این امر بر شدت تضعیف جایگاه سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی به شکل قابل توجهی می‌افزاید.

¹.Governmental organization- Non Governmental Organization (GO-NGO)

قطعنامه ۵۷/۲۰۰۴ اکوسوک:

در این قطعنامه از سازمان‌های غیر دولتی دعوت شد تا برای حضور در نشست چهل و نهم کمیسیون مقام زن حضور یابند. تأکید بر شناسایی (مشارکت مبتنی بر عدالت جغرافیایی) سازمان‌های غیر دولتی در اجلاس چهل و نهم مقام زن و کمک به سازمان‌های غیر دولتی خاص که از کشورهای در حال توسعه، کمتر توسعه یافته و در حال گذار اقتصادی می‌باشند، از مفاد مهم این قطعنامه بود. (ECOSOC Resolution, 2004/57)

قطعنامه ۲۰۰۸/۵ اکوسوک:

این قطعنامه با عنوان «تقویت بخش سازمان‌های غیر دولتی دپارتمان اقتصادی و اجتماعی دبیرخانه ملل متحد» ضمن تأکید بر موارد ذیل به اجرای جامع قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی نیز اصرار می‌ورزد.

حمایت دبیرخانه از انجام ماموریت‌های کمیته سازمان‌های غیردولتی با توجه به گسترش فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی.

- پیشنهاد ایجاد ظرفیت سازی برای سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی دارای جایگاه مشورتی.

- نیاز به تقویت مشارکت جامعه مدنی از طریق دبیر کل سازمان ملل

- یادآوری برنامه منظم همکاری فنی با سازمان‌های غیر دولتی با توجه به برنامه بودجه

ملل متحد. (ECOSOC Resolution. 2008, 5)

شخصیت حقوقی سازمان‌های غیر دولتی

به استثنای صلیب سرخ جهانی به عنوان یک سازمان غیر دولتی بین‌المللی، که بر مبنای کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی است، دیگر سازمان‌های غیر دولتی از شخصیت حقوقی برخوردار نمی‌باشند.

به رسمیت شناخته شدن جایگاه حقوقی برای تمامی سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی امری حیاتی و دارای اهمیت می‌باشد. یک سازمان غیر دولتی بین‌المللی ممکن است که ترجیح دهد که به کشور مورد نظر غیر وابسته باشد و امید دارد که همان جایگاه حقوقی که در کشور A دارا می‌باشد را در کشور B، C و D نیز داشته باشد. این موضوع حتی می‌تواند از طریق تنظیم معاهدات دو جانبه و چندگانه نیز کاربردی‌تر گردد. دارا بودن شخصیت حقوقی

برای هر سازمان غیر دولتی بین‌المللی به معنای قادر بودن به انجام کارهای در کشورهای مختلف و بدون وجود ممانعت‌های مربوط به تشریفات اضافی در هر کشوری می‌باشد. (Frits.) (December, 1999.3)

این حقیقت وجود دارد که اگر قوانین یک کشور به طور کامل و جامع به جایگاه سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی احترام گذارد، هیچ‌گونه ضمانتی وجود ندارد که این سازمانها در دیگر کشورها مورد احترام قرار گیرند. با این وجود، خیل عظیمی از تفاوت میان اعطای شخصیت به سازمان‌های غیر دولتی تحت قوانین داخلی یا پذیرش تعهدات بنیادین قبل از اینکه نهادی جهانی به هویت سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی احترام بگذارد و آن را مورد پذیرش قرار دهد، وجود دارد.

باید در نظر داشت که تأسیس این سازمان‌ها نه بر اساس یک موافقت نامه بین‌المللی، بلکه طبق قوانین داخلی یک کشور می‌باشد؛ در نتیجه پذیرش صلاحیت و اختیارات برای این چنین شخصیتی در کشورهای دیگر، امر دشواری است. مشکل ساختاری دیگر، ابهام در مسئولیت و پاسخگویی این سازمان‌ها در قبال عملکرد خود می‌باشد. نگرانی از عدم شفافیت در تامین منابع مالی و تاثیرپذیری از نفوذ دولتها یا اشخاص حقوقی و حقیقی، نگرانی مهم دیگری در این قلمرو است. با این اوصاف، اگر در مقام امکان سنجی دستیابی سازمان‌های غیر دولتی به شخصیت حقوقی بین‌المللی باشیم باید گفت دفاع از این جایگاه و ترویج آن برای سازمان‌های غیر دولتی، راه حلی خوشبینانه و تا حدی افراطی است که نه با ساختار حاکمیت-محور موجود نظام بین‌المللی سازگار است و نه با توجه به ضعف‌های این سازمان‌ها چندان مطلوب به نظر می‌رسد. (قاسمی و تسخیری، ۱۳۹۶: ۲۳۸)

جایگاه سازمان‌های غیر دولتی در ایجاد حقوق نرم

حقوق نرم^۱ در حقوق بین‌الملل به دستورالعمل‌های رفتاری اطلاق می‌گردد. دستورالعملی که به وسیله معاهدات به دست نمی‌آید، نظیر قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و یا کنفرانس‌های بین‌المللی که به خودی خود الزام آور نیستند، بلکه بیشتر شبیه به یک بیانیه‌ای صرف در خصوص اختلافات سیاسی و حقوقی بین دو دولت برای رسیدن به یک آرمان مشترک می‌-

^۱. soft law

باشد. در مقابل، حقوق سخت به تعهدات بین‌المللی مانند معاهدات و عرف بین‌المللی الزام آور
اطلاق می‌گردد. (MARTIN, 2005. 467)

حقوق بین‌الملل در حال حاضر، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد ماهیت و جایگاه حقوق نرم
دارد. میزان هنجارها و ویژگی خاص حقوق نرم باعث می‌شود که به عنوان منبعی از قواعد که
دولتها تمایل به آنها را دارند، تلقی شود. سازمانهای غیردولتی بدون تردید با ایجاد رویه در
حقوق بین‌الملل اثر می‌گذارند. فعالیت سازمان‌های غیردولتی در فرایند شکل‌گیری قواعد بین-
المللی از طریق حضورشان در کنفرانسها و ارایه نظرات و پیشنهادات خود در حوزه‌های
تخصصی و همچنین ایجاد و تدوین قواعد غیر الزام آور، می‌تواند در نهایت به شکل‌گیری
حقوق نرم، کمک شایانی نماید. مزیت این حقوق، آن است که ایجاد آنها آسان و در روند
شکل‌گیری از اثرگذاری بیشتری (بر تابعان حقوق بین‌الملل) برخوردار می‌باشند. این دسته از
حقوق، سریعاً به تغییرات واکنش نشان می‌دهند و خلاءهای موجود در حقوق بین‌الملل
را تکمیل می‌نمایند. حقوق نرم همچنین می‌تواند به عنوان پایه و اساسی برای قواعد در حوزه-
های جدید حقوق بین‌الملل و یا در مواردی که در آن رسیدن به توافق مشکل‌تر است، عمل
می‌کند. در حال حاضر دکتین حقوق بین‌الملل، ابزارهای زیادی مانند اعلامیه‌ها، تجزیه
و تحلیل‌ها، توصیه‌ها، راهبردها و غیره را به عنوان مصادیق حقوق نرم بر می‌شمارند. این منابع
به ندرت مستقیماً توسط دولتها ایجاد می‌گردند. اغلب این ابزارها توسط سازمان‌های بین‌المللی
ایجاد می‌شود. در برخی از موارد مثل تجارت، سرمایه‌گذاری، حقوق بشر یا حقوق بشر
دوستانه، فرایند ایجاد این ابزارها توسط عاملان غیردولتی مثل سازمان‌های غیردولتی، گروه-
های ذینفع و سایر انجمن‌های خصوصی صورت می‌پذیرد، زیرا آنها در عرصه بین‌الملل فعال‌تر به
نظر می‌رسند. مقادیر عظیمی از ابزارهای حقوق نرم توسط دولتها در کنفرانس‌های بین‌المللی
و در درون فرآیندهای تصمیم‌گیری اتخاذ می‌شود (Giertl and Iazorcakova, 2018. 47- 50)
که در این بین نقش سازمان‌های غیر دولتی، به خصوص سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی
می‌تواند به عنوان یک بازوی کمکی و حتی یک اهرم مشورتی کارگشا و تاثیرگذار باشد، اما به
دلیل فقدان یک چارچوب مشخص و مدون در خصوص شرح وظایف و کارکرد سازمان‌های
غیر دولتی در عرصه بین‌الملل، این مهم با فراز و نشیب‌های فراوانی رو به رو بوده است.

باید خاطر نشان کرد که «حقوق نرم» به خودی خود و مستقیماً یک قانون یا قاعده لازم
الاجرا نمی‌باشد، بلکه به طور بالقوه در ظهور قواعد جدید و حتی رژیم‌های حقوقی مشروع

حائز اهمیت می‌باشد. این امر با فرآیند خاصی به دست می‌آید و از ایجاد هرگونه مانع و هزینه‌های اجتناب ناپذیر مربوط به شکل‌گیری قواعد مشروع الزام آور در معاهدات بین‌المللی جلوگیری به عمل می‌آورد. (Ibid)

عوامل موثر بر تثبیت جایگاه سازمان‌های غیردولتی در عرصه بین‌الملل

- ۱- اجماع و عزم دولت‌ها جهت تصویب یک معاهده بین‌الدولی با محوریت تثبیت جایگاه سازمان‌های غیردولتی.
- ۲- شناسایی عوامل عمده بازدارنده اثربخشی سازمان‌های غیردولتی مانند کارشکنی برخی دولت‌ها در راستای حفظ منافع خود.
- ۳- لزوم تشکیل شبکه‌های تخصصی مرتبط در حوزه فعالیت سازمان‌های غیردولتی مانند شبکه پزشکان بدون مرز.
- ۴- اعمال نفوذ توسط سازمان‌های غیردولتی بر ایجاد، انتشار و تفسیر اطلاعات به عنوان نقشی تاثیرگذار در توسعه حقوق بین‌الملل. (Pearson, 2006. 282)
- ۵- نگاه ویژه سازمان ملل متحد به جایگاه سازمان‌های غیردولتی در طراحی، تصویب و تدوین قواعد و همچنین رایه مشاوره، نظارت و راهنمایی به ارکان ملل متحد فراتر از شورای اقتصادی و اجتماعی.

نتیجه‌گیری

اگر چه در برخی از اسناد الزام آور بین‌المللی از جمله برخی قطعنامه‌های شورای امنیت به سازمان‌های غیردولتی اشاره گردیده است و آنها را طرف حق و تکلیف قرار داده‌اند و برخی صاحب نظران به استناد همین اسناد برای این سازمان‌ها قائل به نوعی شخصیت حقوقی بین‌المللی شده‌اند و آنها را در زمره تابعان حقوق بین‌الملل قرار می‌دهند، اما برای رفع هرگونه شبهه، به نظر می‌رسد که بهترین راه حل برای معضل شخصیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی در سطح بین‌الملل انعقاد یک کنوانسیون بین‌المللی و فراگیر می‌باشد. تحلیل تاریخی مفهوم سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که سوال مربوط به هویت بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی‌ها هنوز به طور کافی پاسخ داده نشده است. به طور متناقض، در حالیکه، دولت‌ها به طور فزاینده‌ای سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی را به ساختارهای کنترل جهانی معرفی می‌نمایند، ولی این مسئله مبهم باقی می‌ماند که سازمان‌های غیر

دولتی بین‌المللی چه ویژگی‌هایی دارند و به طور رسمی و اداری چه جایگاهی در حقوق بین‌الملل داشته و چگونه هویت بین‌المللی خود را می‌توانند احراز نمایند. اگر چه دولتها از مشارکت‌های سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی در مراحل مذاکرات بین‌المللی استقبال می‌کنند و «انجمن‌های خصوصی» را تا حدی در سطح ملی به رسمیت می‌شناسند، آنها هنوز در مورد استاندارد مربوط به عملکرد سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی در عرصه فراملی به توافق نرسیده‌اند.

باید خاطر نشان کرد که برخی سازمان‌های غیردولتی به عنوان نمایندگان غیردولتی، متهم به استفاده از تاکتیک‌های تهاجمی برای اعمال فشار بر دولتها می‌شوند. سازمان‌های غیر دولتی همچنین با مشکلات دسترسی و مقبولیت که بطور معمول توسط سازمان‌های غیردولتی در حقوق بین‌الملل تجربه می‌شوند روبرو هستند. علاوه بر این، تفاوت در فرصت‌ها برای مشارکت میان سازمان‌های غیر دولتی بزرگ و کوچک بدیهی می‌باشد. (Pearson, op.cit. 284)

در مجموع می‌توان عنوان نمود که فقدان یک معاهده لازم‌الاجرای بین‌المللی در خصوص جایگاه، شرح وظایف و تعهدات سازمان‌های غیر دولتی موجب گردیده تا اینگونه سازمان‌ها، نتوانند به پویایی لازم دست یابند. البته این نکته به معنای ایستایی مطلق جایگاه سازمان‌های غیر دولتی به خصوص در عرصه بین‌الملل نمی‌باشد، لیکن این حرکت به شکل آهسته و پیوسته صورت می‌پذیرد.

منابع فارسی

کتاب

- بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران، انتشارات مجد
- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۵)، *راهنمای سازمان‌های غیردولتی*، تهران، موسسه ابرار معاصر تهران
- محمود گلستانی، الهام پهلوانی (۱۳۹۵)، *حقوق بشر و سازمان عفو بین‌الملل به همراه اساسنامه سازمان عفو بین‌الملل*، تهران، نشر خرسندی

مقالات

- بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۷۹)، *سازمان‌های غیر دولتی و حقوق بین‌الملل*، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱ و ۳۲، پاییز و زمستان
- (۱۳۷۴ - ۱۳۷۳)، *تأثیر سازمان‌های غیر دولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی*، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵
- رضایی، زهرا (۱۳۸۲)، *بررسی عملکرد سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران*، فصلنامه ریحانه، شماره ۵، زمستان
- یاسر ضیایی، هادی پژمان (۱۳۸۸)، *وضعیت سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران*، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال هشتم، شماره ۱۵
- غلامعلی قاسمی، محمدصالح تسخیری (۱۳۹۶)، *شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیر دولتی*، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۵، تابستان

English resources

Book

- BROWNIE, LAN (1998), **PRINCIPLES OF PUBLIC INTERNATIONAL LAW**. Fifth Edition, OXFORD University Press, Oxford
- Frits (1999), **Recognition and Protection of NGOs in International Law**, International Center for Not-for-Profit Law (ICNL), PAGE 2 Hondius, December
- MARTIN, ELIZABETH A (2005), **Oxford Dictionary Of Law, FIFTH EDITION** OXFORD UNIVERSITY PRESS, Oxford.

Articles

- Giertl, Adam and lazorcakova, Timea (2018), **The Role of Non- Governmental Organiation In International Law-makig'**, Czech yearbook of internation-

al law, VOLUME IX .THE HAGUE The Netherlands

- Martins, Kerstin (2003), **Examining the (Non) status of NGOs in international law**, Indiana journal of Global Legal studies, University of Bremen, Germany. volum 10, issue 2
- Mittila, Tuula. September 4-6 (2003), **Commercialisation of Non-Profit Organisations"**,The 19th Annual IMP Conference in Lugano, University of Tampere, Finland
- Pearson,zoe (2006),**Non-Governmental Organizations and the International Criminal Court: Changing Landscapes of International Law**, Cornell International Law Journal, volume 39, issue 2,2006

Documents

- COE (1986), COUNCIL OF EUROPE . European Convention on the Recognition of the Legal Personality of International Non-Governmental Organisations, No. 124, Strasbourg, 24.IV, Available from: <https://rm.coe.int/168007a67c>
- ECOSOC Resolution,2004/57. Participation of non-governmental organizations in the forty-ninth session of the Commission on the Status of Women.
- ECOSOC Resolution.2008,5. Strengthening of the Non-Governmental Organizations Section of the Department of Economic and Social Affairs of the United Nations Secretariat.
- UN Doc (23 May 1968), ECOSOC Resolution 1269 (XLIV) Arrangements for consultation with non-governmental organizations.
- UN Doc (30 July 1993),ECOSOC Resolution1993/80, Review of the arrangements for consultation with non-governmental organizations.
- UN. Doc (25 July 1996), ECOSOC Resolution 1996/31, Consultative relationship between the United Nations and non-governmental organizations.
- UN (September 2009), Civil Society, Site United Nations. Available from: <http://www.un.org/en/sections/resources-different-audiences/civil-society/>